

● **پرسش:** یکی از کارشناسان حقوقی باتجربه و متبحر اداره کل تعاون یک استان با توضیح در این باره که هیأت مدیره اتحادیه شرکتهای تعاونی مصرف کارمندان دولت استان، اقدام به انتصاب مدیرعامل از میان فرهنگیان نموده است، پرسش زیر را طرح کرده و خواستار اعلام نظر مشورتی شده‌اند: در حالیکه شرکتهای تعاونی مصرف فسرهنگیان موجود در شهرهای استان دارای اتحادیه تعاونی جداگانه‌ای هستند، آیا اتحادیه شرکتهای تعاونی مصرف کارمندان دولت استان به مسئولیت هیأت مدیره خود، مجاز است مدیرعامل اتحادیه را از کارکنان شاغل فرهنگی انتخاب نموده و در سمت مزبور به کارگمارد؟ از طرفی آیا مبادرت به چنین عملی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی منافات ندارد؟

□ **پاسخ:** هرچند حسب اعلام کارشناس محترم اداره کل تعاون استان، شرکتهای تعاونی

مصرف فسرهنگیان دارای اتحادیه تعاونی مستقل از اتحادیه شرکتهای تعاونی مصرف کارمندان دولت استان می‌باشند و به احتمال قریب به یقین، عضویت در اتحادیه تعاونی مزبور بنا بر مقررات اساسنامه مربوط، به شرکتهای تعاونی مصرف فرهنگیان موجود در حوزه عمل استان، محدود و محصور شده است و بر این اساس، شرکتهای تعاونی مصرف کارمندان دولت غیرفرهنگی، مجاز به عضویت در اتحادیه تعاونی مذکور نمی‌باشند، لیکن هیأت مدیره اتحادیه تعاونیهای مصرف فرهنگیان استان در انتخاب و انتصاب شخص حقیقی فرهنگی یا غیرفرهنگی به مدیریت عامل اتحادیه مختار بوده و با ممنوعیت و محدودیتی مواجه نمی‌باشند و می‌توانند هر فردی را که واجد شرایط مقرر در قانون بخش تعاونی باشد، به سمت مدیرعامل اتحادیه منصوب نمایند. هیأت مدیره اتحادیه شرکتهای تعاونی مصرف کارمندان دولت استان نیز از اختیار مشابهی به شرح مرقوم، برخوردار می‌باشند.

در مورد پرسش دوم، باید توجه داشت که ممنوعیت مقرر و مصرح در اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی برای کارمندان

دولت و مسئولان و مقامات نامبرده در این اصل از باب تصدی ریاست و عضویت هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکتهای خصوصی و تعاونی (جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات)، صراحتاً ناظر بر شرکتهای موصوف با لحاظ استثنای منظور شده برای شرکتهای تعاونی کارمندان دولت و مؤسسات بوده و به اتحادیه‌های تعاونی تشریح ندارد.

● **پرسش:** یکی از خوانندگان محترم ماهنامه تعاون ضمن اشاره به اینکه حدود ۲۰ سال پیش با پرداخت مبلغ ده هزار ریال ارزش اسمی یک سهم مقرر در اساسنامه مصوب اولیه به عضویت شرکت تعاونی مسکن کارگری مربوط پذیرفته شده، اضافه کرده‌اند که اخیراً با تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده، اساسنامه شرکت در نوبت سوم مجمع با حضور تعداد اندکی از اعضاء (در انطباق با اساسنامه نمونه جدید) به



## پرسش و پاسخ حقوقی

● سید یوسف اسماعیل صفوی

تصویب رسیده و در شرایط عضویت آن «خرید حداقل شصت سهم ده هزار ریالی» قید گردیده و به این ترتیب، خرید حداقل یک سهم ده هزار ریالی مقرر در اساسنامه نخستین شرکت به ۶۰۰ سهم ده هزار ریالی افزایش یافته است و هیأت مدیره شرکت با استناد به اینکه اساسنامه اخیر، نمونه مورد تأیید وزارت تعاون می‌باشد، به عموم اعضاء تکلیف کرده‌اند که تعداد سهام خود را از یک سهم خریداری اولیه به ۶۰۰ سهم افزایش دهند.

ایشان در بخش پایانی نامه خود با اشاره به عوامل مؤثر در کاهش شدید ارزش پولی ملی در طول ۲۰ سال گذشته از جمله وقوع جنگ تحمیلی ۸ ساله، محاصره اقتصادی، کمبود و نیز احتکار کالاها در طول دفاع مقدس از سوی افراد سودجو و فرصت طلب که افزایش بی‌رویه و غیرمنتظره قیمت اجناس، تورم اقتصادی و تبعات سوء دیگری را در پی داشته است، خواستار پاسخ به این پرسش شده‌اند که با وجود تصریح قانون تجارت به اینکه در هیچ مجمعی با هیچ اکثریتی (جز با اتفاق آراء عموم سهامداران) نمی‌توان به تمهیدات صاحبان سهام افزود، اصرار هیأت مدیره شرکت به

افزایش سهام اعضا از یک سهم ده هزار ریالی به ششصد سهم ده هزار ریالی و الزام اعضا به خرید سهام بیشتر و جاهت قانونی و حقوقی دارد یا نه؟

پاسخ: پرسش مزبور که در طول چند سال اخیر به ویژه با تشکیل وزارت تعاون و تهیه، تنظیم و ارائه اساسنامه‌های نمونه‌ای که در اجرای وظایف و اختیارات قانونی مربوط، به این امر مبادرت می‌شود و تجدیدنظر در پارهای از مقررات اساسنامه‌ها به تبع تغییرات حاصله در برخی از مواد قانون بخش تعاونی و تجارب حاصله، که منجر به ارائه اساسنامه‌های بالنسبه متفاوتی در چند مقطع زمانی گردیده، همواره از سوی کارشناسان وزارت تعاون و نیز مسئولان و اعضای تعاونی‌ها طرح شده و می‌شود، از نظر حقوقی و قانونی کاملاً روشن، متن و بی‌نیاز از تفسیر، توجیه و توصیف است و هر کسی که قانون مدنی و قانون تجارت و اصلاحیه آن را مطالعه کرده باشد، مطلع است که در شرکتهای تجاری، افزودن بر تعهدات صاحبان سهام، همجنان که در متن پرسش بر آن تصریح گردیده، بدون آراء موافق عموم آنان و در قانون مدنی - مبحث عقود و تعهدات - ایجاد تعهد برای اشخاص به عنوان متعهد و متعهد له، به صورت فهری و بدون رضای طرفین، غیرقانونی و مردود است.

مضافاً توجه کارشناسان محترم، مدیران و اعضای تعاونیها را به این مورد اساسی معطوف و مستحضر می‌دارد که در یک نوبت تغییر حاصله در برخی از مقررات قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به موجب اصلاحیه مصوب ۱۳۷۷/۷/۵ مجلس شورای اسلامی، به رغم تغییر در شرایط عضویت، افزایش سهام اعضا مورد حکم مقنن واقع نشده است. همچنین در حالی که بنا به صراحت ماده ۴ قانون مدنی به متن زیر: «ماده ۴- اثر قانون نسبت به آتی است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد. مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد».

اعضای تعاونیها را نمی‌توان تحت این عنوان که اساسنامه جدید را وزارت تعاون تهیه و تأیید کرده و می‌بایست به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی برسد، با اکراه و اجبار، ملزم به افزایش تعداد و یا مبلغ سهام خریداری قبلی آنان نمود. هرچند مجامع عمومی فوق‌العاده مکلفند اساسنامه جدید را خاصه در صورتی که اصلاحات قانونی در آن لحاظ شده باشد، مورد تصویب قرار دهند. لیکن این اقدام قانونی نمی‌تواند متضمن ایجاد تعهدات مالی زائد بر تعهد ایفا شده سابق آنان در مورد سهام خریداری، از طریق افزایش تعداد یا مبلغ سهام باشد.

به عبارت دیگر خرید سهام بیشتری که در اساسنامه هر تعاونی به عنوان یکی از شروط عضویت، تعیین و قید می‌شود، برای متقاضیان عضویت پس از تصویب اساسنامه جدید در مجمع عمومی فوق‌العاده، لازم‌الرعايه و الزام‌آور است نه اعضای شرکت که سهام مقرر در اساسنامه پیشین را خریداری کرده و به عضویت درآمده‌اند.

برای رفع اشکال مزبور مبنی بر ایجاد تعهد غیرقانونی برای اعضای شرکت، می‌توان از بند مربوط به خرید تعداد سهامی که در اساسنامه هر تعاونی به هنگام تصویب در مجمع عمومی فوق‌العاده آن، مشخص و قید می‌گردد، مشروط بر آنکه افزایش تعداد سهام را در مقایسه با اساسنامه قبلی در برداشته باشد، با افزودن عبارت «برای متقاضیان عضویت» رفع اشکال و ابهام نمود. به این ترتیب ضمن پیشگیری از ایجاد تعهد غیرقانونی جدید و اضافی برای اعضای شرکت، از تاریخ تصویب اساسنامه جدید و افزایش تعداد سهام لازم برای خرید به منظور عضویت در تعاونی، متقاضیان عضویت به شرط آنکه واجد شرایط تشخیص داده شده و سهام مقرر در اساسنامه جدید را خریداری نمایند، می‌توانند به عضویت شرکت پذیرفته شوند.

در عین حال با توجه به اینکه خرید سهام بیشتر به «ارزش اسمی» توسط متقاضیان، در صورتی که ارزش واقعی سهم بیش از ارزش اسمی آن باشد، موجب تقسیم حقوق اعضای قبلی و انتفاع غیرموجه متقاضیان عضویت می‌گردد، لازم است از ذکر ارزش اسمی سهم در بند مربوط به یکی از شرایط عضویت شامل «خرید تعداد... سهم از سهام شرکت» خودداری نمود. در واقع در مواردی که سهم یک تعاونی از ارزش افزوده برخوردار شده است، نباید از عبارت «خرید... سهم... ریالی از سهام شرکت» در بند مربوط به خرید سهام، استفاده نمود. در چنین شرایطی که ارزش واقعی سهم بیش از ارزش اسمی آنست، عملاً می‌بایست قیمت فروش هر سهم را به میزانی محاسبه، تعیین و به متقاضی عضویت عرضه کرد که معادل ارزش واقعی سهمی باشد که به هنگام خروج عضو از عضویت، محاسبه و به وی پرداخت می‌شود تا از ورود زیان به اعضای تعاونی جلوگیری نمود. وجوه اضافی دریافتی از متقاضیان عضویت را می‌توان بین اعضا و به تناسب تعداد سهام آنان تقسیم و یا در مورد اضافه دریافتی به یکی از طرق تعیین شده در قانون تجارت، عمل نمود. شرح دقیق و کامل این بخش از پاسخ نیاز به توضیحات مفصلی دارد که از حوصله این مقال خارج است و لذا توصیه می‌شود دست‌اندرکاران و علاقمندان به این مورد به مبحث مربوط در قانون تجارت مراجعه فرمایند.

● **پرسش:** در شرکتهای تعاونی که یکصد عضو به بالا دارند و غالباً در واحد اداری، کارخانه و یا اماکن نزدیک به هم و مشخصی که آگهی‌های دعوت مجامع عمومی را به صورت دعوتنامه و بدون کمترین نیاز به درج در روزنامه کثیرالانتشار، می‌توان در اختیار آنان قرار داد، به لحاظ حکم اصلاحیه قانون بخش تعاونی مبنی بر انتشار آگهی‌های دعوت مجامع عمومی در روزنامه کثیرالانتشار، این پرسش کراراً طرح شده است که اولاً منظور از روزنامه کثیرالانتشار چگونه روزنامه‌ای است و ثانیاً با توجه به اینکه تعاونیهای کشور، به استثنای تعداد اندکی از آنها، در انواع گوناگونی اعم از مصرف، مسکن و اعتبار کارگری و کارمندی، تهیه و توزیع صنوف شهرستانها، صاحبان صنایع، حرف و صنایع دستی، صیادان، تولیدی، خدماتی، دانشجویی، آموزشگاهی، کشاورزی و غیر آنها،

معمولا در محل واحد یا نزدیک به هم و یا در هر حال قابل دسترسی از طریق ارسال آگهی دعوت با پست سفارشی می‌باشند و الزام آنها به درج و نشر آگهی‌های دعوت جلسات اول و دوم مجامع عمومی عادی و جلسات نوبتهای اول و یا دوم و یا سوم مجامع عمومی فوق‌العاده در روزنامه‌های کثیرالانتشاری که در مجمع تعیین می‌شود، ضرورتی نداشته است، چرا در تهیه و تصویب اصلاحیه قانون بخش تعاونی چنین مشکل عظیمی را برای تعاونیها ایجاد کرده‌اند تا همه ساله ضمن وارد آمدن میلیاردها تومان زیان ناشی از درج چند نوبت آگهی دعوت مجامع عمومی، موجبات ابطال جلسات مجامع اکثر تعاونیهای مشمول انتشار آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار به سبب اینکه امکان رعایت مهلت کوتاه ۵ روزه که در اثر کاهش فاصله زمانی ۱۵ تا ۴۰ روز بین تاریخ صدور آگهی دعوت مجامع عمومی تا تشکیل جلسات در اساسنامه‌های قبلی به ۱۵ تا ۲۰ روز در اساسنامه‌های جدید، ایجاد گردیده، به دلایل مختلف میسر نمی‌باشد و آثار و تبعات سوء دیگری نظیر اختلال در برگزاری جلسات مجامع عمومی و علی‌الرأس شدن مالیات تعاونیها و... که وزارت محترم تعاون از زمان انتصاب جناب آقای حاجی به وزارت، همواره سعی در رفع مشکلات تعاونیها داشته‌اند، فراهم گردد.

**پاسخ:** ضمن تأیید نظرات ابرازی در پرسش مطروحه و بیان اختصاری یکی از مصادیق آن بدین شرح که اخیراً یکی از مسئولان شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان شهرستان قم در مکالمه تلفنی و درخواست راهنمایی و مشورت، با اعلام این موضوع که در مراجعه به یکی از روزنامه‌ها، برای انتشار ۵ نوبت آگهی دعوت جلسات مجامع عمومی فوق‌العاده و عادی (جهت طرح و تصویب اساسنامه و تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه) در کمترین متن آگهی، حدود سی میلیون ریال مطالبه شده است، صرف چنین هزینه‌ای را که به قشر کم‌درآمد فرهنگی تحمیل می‌شود، بسیار گزاف، بیمورد و نگران‌کننده دانسته و خواستار توجه وزارت محترم تعاون به رفع این معضل و اصلاح سریعتر قانون به منظور حذف الزام تعاونیهای صد نفره به بالا از درج آگهی‌های دعوت در روزنامه کثیرالانتشار شده و ادامه این وضع را موجب تحلیل منابع مالی تعاونیها و تضعیف و رکود فعالیت تعاونیها توصیف نمودند. از شهرهای دور و نزدیک نیز تاکنون تماسهای کثیری گرفته شده و مطالب مشابهی عنوان شده است. اینک توجه مسئولان محترم تعاونیها را به دو مورد از پرسشی که عنوان گردید، به شرح زیر جلب می‌نماید:

۱- برخلاف تصور عمومی که روزنامه کثیرالانتشار را روزنامه‌های می‌دانند که علاوه بر کثرت تیراژ، در سطح کشور عرضه و توزیع می‌گردد، تعریفی قانونی از آن ملاحظه نشده و از دیدگاه حوزه عمل جغرافیایی پذیرش اعضای هر تعاونی، می‌توان روزنامه‌ای را که در حوزه عمل تعاونی در دسترس اعضای آن قرار می‌گیرد، روزنامه کثیرالانتشار تلقی نمود، هرچند که در سراسر

کشور منتشر و توزیع نشود. به این ترتیب هر روزنامه‌ای، ولو محلی، مشروط بر اینکه در حوزه عمل یک تعاونی نشر از روزنامه‌های دیگر نشر و توزیع شود، در مقایسه‌ای نسبی، می‌تواند به عنوان روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های تعاونی انتخاب شود.

۲- با اینکه در نخستین اصلاحیه قانون بخش تعاونی، چند مورد از موانع و اشکالات مهم این قانون مورد توجه قرار گرفته و مرتفع شده است، لیکن ملزم کردن تعاونیهایی با یکصد عضو به بالا به انتشار آگهی‌های دعوت مجامع عمومی در روزنامه کثیرالانتشار بنابر تجویز قانون و به موجب اصلاحیه مصوب ۷۷/۷/۵ اقدامی زائد، زیانبار و فاقد توجه می‌باشد که امید است این مورد و چند مورد اشکال اساسی دیگری که در قانون بخش تعاونی وجود دارد، هرچه سریعتر با تقدیم لایحه اصلاحی، رفع شده و گامهای مؤثری در جهت بهبود شالوده حقوقی و مبانی قانونی بخش تعاونی برداشته شود.

**پرسش:** آقای مهدی علیمردانی عضو هیأت مدیره یک شرکت تعاونی توزیع صنعتی اعلام داشته‌اند که بنا به تصمیم اکثریت اعضای هیأت مدیره، قرار شده از عملکرد سه سال گذشته شرکت به مسئولیت هیأت مدیره سابق آن، حسابرسی به عمل آید. ایشان در مورد حسابرسی مزبور خواستار اظهار نظر پیرامون صلاحیت و اختیار هیأت مدیره همراه با ادله قانونی شده‌اند.

**پاسخ:** نظر به اینکه انجام هر هزینه‌ای در تعاونیها، مستلزم پیش‌بینی آن در بودجه مصوب مجمع عمومی عادی می‌باشد، لهذا برای اینکه بر پایه اعتراض هیأت مدیره سابق و یا بازرس یا بازرسان و یا اعضای شرکت و تصمیم مجمع عمومی، هزینه حسابرسی به علت عدم تجویز و تصویب مجمع عمومی عادی یا فقدان منشاء در بودجه مصوب، از وجود و اموال شخصی هیأت مدیره، مطالبه نشود لازم است انجام حسابرسی مورد نظر، موکول به سیر مراحل زیر گردد:

۱- افزودن یک بند به دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالانه که در پیش روی دارید به متن زیر یا مضمون مشابه آن:

«بنده... - تصویب حسابرسی از عملکرد سالهای... دوره مأموریت هیأت مدیره سابق»

۲- بررسی هزینه حسابرسی توسط نماینده یکی از مؤسسات معتبر حسابرسی با توجه به حجم عملیات مالی و حسابداری شرکت برای هر سال و جمعاً سه سال مورد نظر جهت پیش‌بینی در بودجه سالانه که در صورت تصویب مجمع قابل هزینه کردن خواهد بود.

۳- ارائه اطلاعات لازم به مجمع عمومی عادی در مورد حسابرسی پیشنهادی از قبیل نام مؤسسه حسابرسی یا کارشناس رسمی دادگستری در مورد حسابرسی، هزینه حسابرسی عملکرد سه ساله شرکت و مدت حسابرسی و دلایل توجیهی ضرورت انجام حسابرسی پیشنهادی در گزارش هیأت مدیره به مجمع

۴- تصویب حسابرسی و بودجه آن در مجمع عمومی عادی که در

بودجه سالانه منظور خواهد شد. عدم رعایت موارد فوق الذکر ممکن است مشکلات و اتهاماتی را متوجه هیأت مدیره شرکت نماید.

● **پرسش:** اعضای که از عملکرد هیأت مدیره راضی نیستند تحت چه شرایطی می‌توانند شکایت خود را به وزارت تعاون یا اداره کل تعاون استان برای رسیدگی اعلام دارند؟

□ **پاسخ:** صرف نظر از مرجع اصلی تظلمات و شکایات که دادگاهها و سازمانهای قضائی قوه قضائیه است و هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌تواند با رعایت مقررات مربوط، اقدام به اقامه دعوا در مرجع صالحه قضائی نماید و تنها رأی قطعی صادره از دادگاهها جنبه تضمینی و اجرایی دارد. معهذاً در چارچوب هر شرکت تعاونی نیز عضو یا اعضای شاکی از مسئولان و مدیران آن، بدو می‌بایست در جهت رعایت مقررات اساسنامه تعاونی شکایت خود را تسلیم بازرس یا بازرسان شرکت نماید. در صورتی که از این طریق، شکایت مورد بررسی و اقدام قرار نگرفته و یا نتیجه حاصله نظر شاکی یا شکات را تأمین نموده و بر شکایت خود باقی باشند، می‌توانند حسب مورد شکایت خود را به وزارت تعاون یا اداره کل تعاون استانی که تعاونی تحت نظر آن قرار دارد، تحویل نمایند. وزارت یا اداره کل تعاون به شکایت واصله رسیدگی نموده و در حدود امکانات و اختیارات قانونی خود اقدام لازم معمول خواهد داشت.

● **پرسش:** آیا آن دسته از شرکتهای اتحادیه‌های تعاونی که آگهی دعوت مجامع عمومی آنها می‌بایست در روزنامه کثیرالانتشار درج شود، مکلفند تصمیمات متخذه در مجامع عمومی عادی و یا فوق‌العاده خود را نیز در همان روزنامه درج نمایند یا نیازی به اقدام در این زمینه و صرف هزینه نمی‌باشد؟

□ **پاسخ:** با اینکه اکثر قریب به اتفاق مسئولان تعاونیها اقدام به درج و نشر خلاصه تصمیمات مجامع عمومی عادی تعاونی، به علت بی‌اطلاعی از مقررات اساسنامه‌های مربوط یا خودداری از صرف هزینه، در روزنامه کثیرالانتشاری که برای انتشار آگهی‌های دعوت مجامع (در تعاونیهای دارای صد عضو به بالا) تعیین شده است، نمی‌نمایند، لیکن طبق مقررات اساسنامه، مکلف به انجام این مورد می‌باشند. عدم درج تصمیمات مجامع در روزنامه مربوط تخلف از مقررات محسوب شده و وزارت تعاون یا ادارات تابعه آن می‌توانند با مسئول یا مسئولان تعاونی مربوط برخورد قانونی نمایند. تصمیمات مجامع عمومی فوق‌العاده که به موارد معینی محدود است با هدایت و الزام ثبت شرکتهای در روزنامه کثیرالانتشار و روزنامه رسمی درج می‌شود.



بقیه از صفحه ۴۵

مردم خونریز چشم او به قصد عاشقان

دارد از سرگان حمایل تیغهای آبدار

عمر جوی آبی است و به سان آب روان می‌رود تا جایی که

فرصت نمی‌دهد رؤیا به واقعیت نظر کند:

فرصت نمی‌دهد که بشویم زدیده خواب

از بسکه تند می‌گذرد جویبار عمر

چشمی که با صد آینه از دیدن یار سیر نمی‌شود:

تو به صد آینه از دیدن خود سیرنه‌ای

من به یک چشم زدیدار تو چون سیر شوم

شرح شوریدگی و دلدادگی صائب و تأمل در اندیشه او بیش از

آن است که در این مقال آید، آسوده شبی خواهد و خوش مهتابی،

این نوشته تنها اجمال و مختصری بود و قطره‌ای از دریای زلال

اندیشه‌های شاعر خیال‌پرداز شوریده سبک هندی.

حکایت همچنان باقی ...

پی‌نوشت‌ها:

\* صائب را "منبتی" ایران دانسته‌اند.

احمدبن‌الحسن‌الجمعی کوفی معروف به منبتی شاعر معروف عرب در سال

۳۰۳ هجری قمری در کوفه ولادت یافت. او در خدمت عبدالدوله دیلمی به

سر می‌برد و فصاحت و غریبی در مدح وی سرود. گویند هنگام بازگشت از ایران،

نزدیک کوفه، کسانی از قبیل "سد" به وی حمله کردند و همینکه شکست خورد،

آهنگ فرار کرد، غلامش بانگ برآورد: نگذار بگویند در جنگ فرار کرد، تو

کسی هستی که این بیت را سروده‌ای:

فالحیل و اللیل و البیداء نعرفنی

والحرب و الضرب و الفرطاس و القلم

منبتی به شنیدن شعر به میدان نبرد برگشت و مرگ را استقبال کرد. قتل او در

سال ۳۵۴ هـ ق در بیابان سماره اتفاق افتاده است.

۱- ۹۹۶- ۱۰۳۸- ۲ ق- ۱۰۳۸- ۱۰۵۲- ۱ ق

۲- ۱۵۲- ۱۰۷۲- ۱ ق

۳- ۱۰۷۲- ۱۱۰۶- ۱ ق

۵- وی فرزند خواجه ابوالحسن سیزواری یا تربنی است که در آن هنگام از

سوی جهانگیر پادشاه هند فرمانروای بخشی از افغانستان کنونی بود.

۶- ۱۰۵۲- ۱۰۷۷ هجری قمری

۷- ۱۰۷۷- ۷

۸- حیدرعلی کمالی، مجله آینده، سال یکم، شماره ۱۲